

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

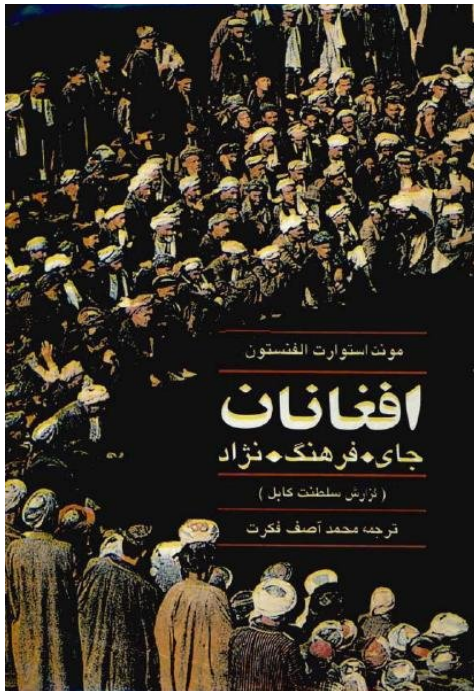
یونس نگاه

۱۱ جون ۲۰۲۲



یونس نگاه

تصویر زشت مردم در کتاب "افغانان"



در اواخر دهه نوزده نود وقتی طالبان در کابل حاکم بودند، کتاب افغانان، نوشته الفستون یکی از پرنیواهای بازار بود. کتاب قبل از طالبان چاپ شده بود و یادم نیست، اولین بار در کابل چه زمان ترجمه شده است. آن کتاب خریدار هم داشت. کتاب، حاصل یادداشت‌های یک مأمور بلند پایه استعمار انگلیس در قرن نوزدهم است. الفستون که از مردم هند و فرهنگ‌های شرقی کتاب بسیار نوشته است و به نام تاریخ‌دان شهرت دارد، حدود هشت سال حاکم ممبای هند بود (۱۸۱۹-۱۸۲۷). قبل از آن، او نماینده خاص انگلیس در کابل بود و وظیفه داشت تا افغانستان را در جبهه مخالف ناپلئون نگه دارد. از او در مورد افغانستان نوشته‌هایی باقی مانده است. در کتاب افغانان، او تصویر کاریکاتوری و غیرمسلمی از مردم کشور، قبایل و فرهنگ‌ها ترسیم کرده است. جالب است که آن تصویرها و تصویرها در ذهن افغان‌ها هم جای دارد. حتی تا حدودی درک متقابل "درس‌خوانده‌ها" و ملاهای اقوام و قبایل از همدیگر شباهت‌هایی با آن تصورات دارد.

مثلاً در کتاب افغانان مردم هزاره ساده لوح معرفی شده اند. او تفاوت عجیبی بین مردان و زنان هزاره قایل شده و نوشته است که زنان هزاره زیبا و مردان شان بد چهره اند. مردان اما پرکار و زحمت کش معرفی شده‌اند. یعنی در

مجموع همان ذهنیتی که به خصوص بعد از عبدالرحمان خان در کابل و مناطق غیر هزاره نشین تبلیغ شده است، در کتاب افغانان واضح به چشم می‌خورد: زن هزاره برای همبستری و مرد هزاره برای کارگری مناسب اند.

این ذهنیت بین طالبان هنوز زنده است. بتازگی خبری در رسانه‌ها نشر شد که یک جوړه بلخی که ۱۴ سال قبل از دواج کرده بودند، از سوی طالبان توقیف شده‌اند. مرد آن جفت هزاره و زنش پشتون بوده اند. از نظر طالب مرد هزاره برای زن پشتون همسر مناسب نیست. چند روز بعد از آن خبر رسید که طالبان از غزنی یک زن هزاره را ربوده و به ارزگان برده‌اند. یعنی زن هزاره برای همبستری طالب پشتون خواستنی و حتی دزدیدنی است.

در کابل هر وقت صفت زحمتکش را به مردان هزاره می‌شنیدیم به‌یاد قضاوت الفنس‌تون می‌افتادم. آن کتاب را در زمان حکومت طالبان در اواخر ۱۹۹۰ در کابل خوانده بودم. صفت زحمتکش، یادآور جایگاه پائین اقتصادی مردان هزاره بود که مشک آب، بوجی آرد و کراچی می‌کشیدند، ورنه کدام قوم در افغانستان در زحمتکشی از مردان هزاره کم دارد؟ مگر تمام مردان دهقان و کارگر افغانستان در شرق و غرب و جنوب و شمال پر از هنر کار و طاقت زحمتکشی نیستند؟ مگر دستان ترکیده کارگر تاجیک، ازبیک، بلوچ و پشتون از دستان مردان هزاره کم‌هنرتر و ناتوان‌تر اند؟ زحمتکش، صفت درست برای مردان هزاره نیست. صفت درستش محروم است. آنان در چاه محرومیت چند پته پائین‌تر بوده‌اند. اگر زشت هم به‌نظر می‌رسیده‌اند، دلیلش فقر بیشتر، لباس کهنه‌تر و غذای کمتر بوده است. از آن مهم‌تر جایگاه اجتماعی پائین‌تر در تصویر چهره مردان هزاره نقش اساسی بازی کرده است. حتماً دیده‌اید که چطور دو برادر، وقتی یکی مأمور خوش‌معاش و دیگری جوالی کم‌بغل است، از نظر ظاهر نیز پس از سال‌ها از هم فاصله می‌گیرند.

زیبایی ویژه زنان هزاره نیست و الفنس‌تون دروغ گفته است. بی‌دفاعی صفت درست زنان هزاره بوده است. زنان هزاره به دلیل موقعیت سیاسی و مغضوب بودن، آسان‌تر از دیگران دزدیده می‌شده‌اند، مورد تجاوز قرار می‌گرفته و به اسارت برده می‌شده‌اند.

باید به تاریخ خود با چشم باز ببینیم و از قضاوت‌های بازمانده از نویسندگان استعماری و حاکمان مستبد فاصله بگیریم. کتاب افغانان که بسیار خواننده هم دارد، یکی از زشت‌ترین کتاب‌های "انسان‌شناسی" و "قوم‌شناسی" است که متأسفانه هنوز بدون نقد، خوانده می‌شود.